

يك نامه

هياهوى بسيار

برای

هيچ



مجله گرامی حسابدار

من یکی از خوانندگان پروپاقرص "حسابدار" هستم در ضمن حسابدار هم هستم البته از نوع مستقلش! سالهاست بخاطر این استقلال انواع سختیها و مرارتها را تحمل کرده و بخاطر بدست آوردن و حفظ آن تمام سرمایه جوانی و انرژی خود را مصرف کرده ام.

دائم سرگرفت فک و فامیل و سروهمسر و دروهمسایه که می گفتند: "با با این هم شد کار؟ برو دنبال یک کار حسابی، این کار نه دنیا داره و نه آخرت نه مرخصی داره و نه با ز خرید، نه تعاونی داره و نه کمکهای غیر نقدی، نه بیمه داره و نه با ز نشستگی، نه جمعه داره نه تعطیل، نه شب داره و نه روز، تازه خیر و برکت هم نداره".

می شنیدم و دم بیرون نمی آوردم و دلم به این خوش بود که مستقل هستم و با لاخره یک روزی قدر این استقلال شناخته می شود و بدنبالش زندگی خوبی هم رو بر راه می شود.

همیشه با اینکه از پرداخت اجاره دفتر و حقوق سه تا و نصفی کارمند عاجز بودم با ز فکر می کردم با لاخره یک روزی وضع منم مانند سایر همکاران خوب می شود. آخرتوی جا معها اینطور عنوان می شد که

حسابرسان پول پارومی کنندحالا بگذریم که چه چیزهای دیگری که نمی گفتند .

کم کم داشت باورم می شد که پول توی این حرفه زیاد است تا اینکه چند وقت پیش آمار منتشره ای از بانک مرکزی درباره وضع در آمد موسسات حسابرسی فعال در حرفه را مشاهده کردم . حتما " شما هم ایین آمار را دیده اید :

تعداد موسسات حسابرسی بخش خصوصی فعال در سطح کشور در سال ۱۳۶۳ - ۹۴ واحد .

تعداد کارکنان ۷۸۸ نفر

تعداد کارکنان حقوق بگیر ۵۴۹ نفر

تعداد کارکنان غیرمزدبگیر (شرکاء) ۲۳۹ نفر

هزینه های پرسنلی ۵۳۹ میلیون ریال

هزینه های آب ، برق و تلفن و نظایران ۱۰۴ میلیون ریال

هزینه اجاره محل ۵۴ میلیون ریال

کل دریافتی در سال ۱۳۶۳ - ۱۰۷۵ میلیون ریال

درآمد پس از کسر هزینه های فوق ۳۷۸ میلیون ریال .

در صورتیکه فرض کنیم هزینه استهلاک و هزینه های دفتری معادل ۶۰ میلیون ریال در سال باشد خالص درآمد موسسات حسابرسی قبل از کسر مالیات بر درآمد ، بالغ بر ۳۱۸ میلیون ریال می شود که چنانچه رقم فوق را بر تعداد کارکنان غیرمزدبگیر (شرکاء) تقسیم کنیم خالص دریافتی هر شریک معادل ۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال می شود یعنی ماهیانه مبلغی معادل ۱۱۱۰۰۰۰ ریال برای هر شریک و البته قبل از کسر مالیات !

این محاسبه بشرطی درست است که اولاً " ماخذ آمار ی بانک مرکزی قابل اطمینان باشد و ثانیاً " این درآمد به تناسب بین همه حسابرسان توزیع شده باشد .

بهر حال تا ملی در ارقام فوق مرا بر آن داشت که بیا ندیشم واقعا این هیاهویی که پیرامون مسأله حسابرسی در این کشور وجود دارد برای چیست ؟ در حالیکه خدماتی مانند لوله کشی ، کانال کشی ، سیم کشی و امثالهم در این مملکت جاذب درآمدی بمراتب بیش از ارقام فوق می باشد چگونه است که همه ذهنها متوجه درآمدنا یافتنی

حسابرسی می باشد .

حقا لقدم یک کارگرو شکار یا لوله کش برای یک ویزیت نیم ساعته ۲۰۰۰ ریال تثبیت شده است در حالیکه نرخهای حسابرسی برای یک ساعت مدیر حسابرسی بین ۱۲۰۰ تا ۲۰۰۰ ریال در نوسان است .

البته قصد ما از این مقایسه فقط عریان ساختن حقیقت برای آندسته از کسانی است که چشم خود را بسته و با ذهنیتی متاثر از گذشته به قضاوت نشسته اند و متاسفانه از ما ست که بر ما ست .

بسیاری از حسابرسیان در حال حاضر بقول معروف روی خود را با سیلی سرخ نگهداشته ولی صداقت و شرافت حرفه ای خود را در گروهیج یک از زخارف مادی نگذاشته اند ولی بی تردید خدمات ارزنده ای که این دسته از حسابرسیان توانسته و می توانند به جامعه ارائه دهند بر هیچ یک از مغرضین و مطلعین پوشیده نیست .

احتمالاً در بین آنها تعدادی کم مایه و کم شخصیت وجود دارد ولی در کدامیک از اقشار اجتماع سراغ داریم که چنین نباشد؟ ضمن اینکه لا اقل در این برهه از زمان امکان نظارت بر کار حرفه ای و تصفییه افراد ناباب ، از حرف دیگر بیشتر است . مضافاً اینکه حرفه خود می تواند بزار نظارتی قوی در دست دولت باشد .

جالب توجه است که بدین نیم سهم عمده ای از عایدی موسسات حسابرسی بخش خصوصی هم اینک از طریق نهادهای وابسته به دولت تا مین شده است و اگر چنین فرض شود که از حق الزحمه حسابرسی پرداختی شرکتهای دولتی و وابسته به دولت ۸۰٪ جذب موسسات حسابرسی دولتی و ۲۰٪ جذب موسسات حسابرسی خصوصی می شود در این صورت سهم حقیر بخش صنعت و تجارت غیر دولتی بیشتر مشخص می شود و این در حالیست که بسیاری از شرکتهای بخش خصوصی به تبع درآمدزیا دو وسعت عملیات احتیاج به یک اهرم کنترل و نظارت دارند ولی عملاً "وقانوناً" هیچ نوع قیدی به انجام حسابرسی ندارند . در چنین مکانیزمی جای شگفتی نخواهد بود که در آینده شاهد تجلی سرمایه دارانی از نوع آنچه که در گذشته وجود داشت ، باشیم و جای شگفتی بیشتر آنکه در چنین وضعیتی بعضی از مصادراً مورتما محواسنان به درآمد کلان (!) موسسات حسابرسی معطوف شده و از نقشی که یک حسابرس و بازرس واجد شرایط می تواند در یک جامعه سالم اقمطامادی ایفاء نماید ، غافل مانده اند .

قصدا این را نداشتم که بحث را جدی کنم، می خواستم طنزپا مـهای بنویسم ولی چون اینکاره نیستم نتوانستم. آخر هرکاری تخصص می خواهد و نمی شود بـصرف اینکـه ادعا کنی فلان کاره ای بتوانی آن کار را انجام دهی. مگر همه کارها ما نند حسا برسی است برادر؟! بگذریم، بعضی وقتها انسان دلش می گیردومی خواهد درددل کند، منم کسی را گیر نیا وردم آدمم سراغ "حسابدار". بدیهی است هیچ نوع پاسخی از هیچ مقامی موردانتظار نیست، چه، درددل را احتیاج به پاسخ نیست، فقط اگر دوست داشتید و صفحه خالی هم داشتید ایـن درددل را چاپ کنید تا دیگران بخوانند و محض رضای خدا دیگر ایـن همه برای هیچ هیاهو نکنند. ■

(ا مضاء محفوظ)

دنباله آشنائی با ریبات ها

خطرات، استفاده بیشتر از هوش مصنوعی، فرمان گیری از طریق صدا و علائم ظاهری و با استفاده از تئوریهای جدیدی چون FUZZY SET قادر به راندن اتومبیل، پرواز هواپیما و انجام عملیات پیچیده تری خواهند بود.

همان طوری که اشاره گردید استفاده از ریبات علاوه بر ارجحیت های اقتصادی، از نظرا منیت کاری (کار در محیط های پرسر و صدا، پر لرزش، بدبو، آلوده، پرحرارت، فوق العاده سرد، در معرض پرتاب اجسام و کارهای خطرناک) نیز کمک موثری به تولید می کند. در عین حال، مسائل شخصی، خانوادگی و اجتماعی نیز اثر منفی بر روی کار مداوم ۲۴ ساعته ندارد، مقدار خرابی ماشین آلات و تعطیلی کارها کاهش می یابد و بالاخره قطعات و وسائل با کیفیت بالا و تعداد بیشتر تولید می گردد.

در حال حاضر سالیانه حدود ۵۰۰ هزار ریبات در کارخانه های مختلف در حال نصب می باشد که با در نظر گرفتن این رقم می توان به اهمیت جهانی آن و لزوم آشنائی و استفاده از این نوع ابزار تولیدی پی برد. ■

نقل از خبرنامه انجمن مدیریت ایران